

تمایز تروریسم انتحاری مبتنی بر نظریه اثر وضعی جرم

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1400.28.2.6.7

یاسر اسماعیل زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده

امروزه تروریسم به عنوان پدیده‌ای پویا و چندوجهی تهدیدی جدی علیه نظم جهانی، دولت‌ها و امنیت شهروندان به حساب می‌آید. اساساً تروریسم انتحاری تهاجمی‌ترین شکل تروریسم مدرن است و به عنوان یک راهبرد منحصر به فرد تروریستی در نظر گرفته می‌شود که با سایر فعالیت‌های تروریستی متفاوت است. در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از مبانی نظری پیشگیری وضعی جرم، به این مبحث پرداخته شود که وجوه تمایز تروریسم انتحاری بر اساس نوع حمله، نوع هدف، نوع سلاح و نوع سازمان تروریستی، با دیگر اشکال دیگر تروریسم (غیرانتحاری) که بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۷ اتفاق افتاده است، چیست؟ تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزار آماری Stata نسخه ۱۴٫۲ انجام و آزمون آماری مجذور کای پیرسون برای تجزیه و تحلیل متغیر انجام شده است. تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره نشان می‌دهد که تروریسم انتحاری در مقایسه با نوع غیرانتحاری آن شامل بمب‌گذاری و انفجار به عنوان نوع حمله، مواد منفجره به عنوان سلاح، نیروهای نظامی-امنیتی به مثابه هدف و توسط سازمان‌های تروریستی با گرایشات ایدئولوژی مذهبی انجام می‌شود.

واژگان کلیدی: تروریسم، تروریسم انتحاری، بمب‌گذاری، ایدئولوژی، پیشگیری وضعی جرم.

امروزه تروریسم به عنوان پدیده‌ای پویا و چندوجهی تهدیدی جدی علیه نظم جهانی، دولت‌ها و امنیت شهروندان به حساب می‌آید (کرمزادی، خوانساری‌فرد، ۱۴۰۰: ۱۴۸). اما تروریسم انتحاری تهاجمی‌ترین شکل تروریسم مدرن است (Pape, 2003: 43) و به عنوان یک استراتژی منحصر به فرد تروریستی در نظر گرفته می‌شود که با سایر فعالیت‌های تروریستی متفاوت است (Acosta & Childs, 2013: 41). از آنجا که تروریست‌های انتحاری آماده هستند تا برای رسیدن به نتیجه مطلوب از جان خود نیز بگذرند، با تمام وجود از این جهان گذشته و انتظاری برای زنده ماندن ندارند (Bloom, 2005: 16). سازمان‌های تروریستی به چند دلیل تروریسم انتحاری را بر حملات تروریستی غیرانتحاری ترجیح می‌دهند. به عنوان مثال تروریسم انتحاری نتایج و اثربخشی می‌دهد، منجر به تعداد تلفات زیادی می‌شود، سازمان‌های تروریستی را قادر می‌سازد پیام‌های استراتژیک را برای جامعه هدف ارسال و القاء کنند، مشروعیت و جدیت آنها را در بین پیروان و طرفداران افزایش می‌دهد، اعتماد عمومی به دولت و سازمان‌های امنیتی را از بین می‌برد (Hafez, 2007: 57) و حتی دولت‌ها را وادار می‌کند تا بخشی یا تمام درخواست‌ها و مطالبات تروریست‌ها را عملی کنند. اما تروریسم انتحاری از اوایل دهه ۱۹۸۰ و بر اساس داده‌های «پایگاه جهانی تروریسم»^۱ توسط سازمان‌های تروریستی به عنوان یک استراتژی کشنده استفاده شد. این سبک از حملات تروریستی با وقوع عملیات انتحاری ۱۱ سپتامبر بسیار برجسته‌تر شد و توجهات زیادی را به خود جلب کرد و تروریسم انتحاری به یک استراتژی عملیاتی محبوب در بین گروه‌های تروریستی در سطح جهانی تبدیل شد (Demir & Guler, 2021: 106).

پس از وقوع ۱۱ سپتامبر به عنوان یک نقطه عطف بزرگ در مطالعات تروریسم، پژوهش‌ها و رویکردهای علمی در مورد تروریسم انتحاری پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر برای کشف علل و عوامل اصلی حملات انتحاری به عنوان یک تاکتیک کشنده از سازمان‌های تروریستی، به طور چشمگیری افزایش یافته است (Horowitz, 2015; Silke, 2006). اما نکته مهم این است که استفاده از تروریسم انتحاری طی ۴۰ سال گذشته به یک راهبرد تهاجمی و

عملیاتی در میان سازمان‌های تروریستی تبدیل شده است. اصطلاح تروریسم انتحاری به عنوان عملیات و حمله‌ای تعریف می‌شود که شواهدی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه عنصر تروریست قصد داشته است خود را بکشد تا به افراد دیگر و یا اموال آسیب برساند (Global Terrorism Database [GTD], 2019: 5). در این بین اگر قائل به این موضوع باشیم که عملیات انتحاری یک روش قدیمی است که توسط بازیگران دولتی و غیردولتی مورد استفاده قرار گرفته و خواهد گرفت، اولین عملیات مدرن انتحاری در سفارت عراق در بیروت لبنان، در سال ۱۹۸۱ انجام شد (Atran, 2004: 19). مروری بر آمارهای عملیات‌های معاصر انتحاری نشان می‌دهد که میزان تروریسم انتحاری طی دهه ۱۹۹۰ به‌طور مداوم افزایش یافت و به کشنده‌ترین تاکتیک سازمان‌های تروریستی در جهان تبدیل شد. اگرچه بر اساس اطلاعات پایگاه جهانی تروریسم، نسبت تروریسم انتحاری به سایر اشکال حملات تروریستی اندک است، اما تروریسم انتحاری تلفات بیشتری نسبت به انواع دیگر حملات تروریستی برجای گذاشته است. از زمان اولین عملیات تروریستی انتحاری در سال ۱۹۸۱، بیش از ۵۰۰۰ مورد تروریسم انتحاری رخ داده است (GTD, 2019: 9).

بین سالهای ۱۹۸۱ و ۲۰۱۷، از بین تعداد ۱۳۸،۹۰۵ عملیات تروریستی که در جهان ثبت شده بود، تروریسم انتحاری تشکیل‌دهنده ۳،۹ درصد از کل حوادث تروریستی در جهان بوده است؛ اما عامل ۱۶،۳ درصد از حدود ۴۰۰،۰۰۰ تعداد کشته‌شدگان و ۲۵،۱ درصد از حدود ۵۰۰،۰۰۰ زخمی بوده است (GTD, 2019: 6-7).

پیشینه پژوهش

در داخل کشور پیشینه مرتب‌تری با موضوع مقاله حاضر یافت نشد و صرفاً برخی از پژوهش‌ها، جنبه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی تروریسم انتحاری را بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال نوروژ کارگری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی روانشناختی جامعه‌شناختی تروریسم انتحاری، ضمن بررسی برخی از شاخص‌های فردی و اجتماعی در اقدامات تروریستی انتحاری، سعی بر آن دارد تا به یک نیم‌رخ از مرتکبین این اقدامات دست یابد. اما در سطح جهانی تحقیقات در مورد تروریسم انتحاری به طور کلی متمرکز بر انگیزه‌های تروریست‌ها و مطالبات

آنها برای درک اینکه چرا دست به حملات انتحاری می‌زنند و چه عواملی بر تصمیم‌گیری تروریست‌ها برای درگیر شدن در تروریسم انتحاری تأثیر می‌گذارد، متمرکز بوده است. اکثر این مطالعات تأثیر علم سیاسی و روانشناسی را منعکس می‌کنند و بنابراین بر متغیرهای مداخله‌گر در تروریسم انتحاری برای کشف انگیزه‌های فردی و جمعی تروریست‌ها برای انجام حملات انتحاری متمرکز هستند (Perry, Apel, Newman, & Clarke, 2017). مطالعات محدودی در جهان وجود دارد که عوامل وضعی تروریسم انتحاری را بررسی می‌کند. این مطالعات هرچند اندک، تلاش می‌کنند تا تعیین کنند که چگونه سازمان‌های تروریستی حملات انتحاری خود را انجام می‌دهند. بر اساس مبانی نظریه پیشگیری وضعی جرم^۱، این مطالعات بر روی استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و روش‌های عملیاتی تروریسم برای ترسیم کارکردها و روش‌های موثر برای جلوگیری از حملات تروریستی در آینده متمرکز است (Clarke & Newman, 2006: 81). با این حال، چارچوب تحلیلی که نظریه پیشگیری وضعی جرم^۲ (که از این پس می‌نامیم) ارائه می‌دهد، می‌تواند برای کاهش آسیب تروریسم، کاهش تعداد تلفات و به حداقل رساندن خسارات ناشی از تروریسم انتحاری کاربردهایی داشته باشد. با استفاده از نظریه پیشگیری وضعی جرم، می‌توان در خصوص رویکرد وضعی پیشگیری از تروریسم تحقیق کرد که نتیجه آن باید درک استراتژی‌ها و تاکتیک‌های تروریست‌ها، با هدف جلوگیری از حملات انتحاری در آینده باشد (Freilich & Newman, 2009: 16). با این حال، مطالعات تجربی در مورد تروریسم انتحاری با استفاده از نظریه پیشگیری وضعی جرم بسیار محدود بوده است. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در ایالات متحده پژوهش‌های اندکی، نظریه پیشگیری وضعی جرم را برای مقایسه تفاوت بین تروریسم انتحاری و با سایر اشکال تروریسم بکارگیری کرده‌اند (Gruenewald, Klein, Parkin, Freilich, & Chermak, 2019; Demir & Guler, 2021).

همچنین می‌توان دسته‌بندی زیر را برای پژوهش‌های متمرکز بر تروریسم انتحاری با موضوعات مطالعاتی متنوع ارائه کرد:

1- Situational Crime Prevention

2 -SCP

جدول ۱. پیشینه‌های متمرکز بر موضوع تروریسم انتحاری به تفکیک موضوع

موضوع مطالعه	اثر علمی (پیشینه پژوهش)
درک انگیزه‌های فردی مهاجمان انتحاری	Bloom, 2005; Gordon, 2002; Hafez, 2007; Lester et al., 2004; Margalit, 2003; Pape, 2005; Pedahzur, 2005; Post, 1990; Silke, 2006; Speckhard et al., 2012
نقش انگیزه‌های نوع‌دوستانه ^۱ و مذهبی در حملات انتحاری	(Abdel-Khalek, 2004; Azam, 2005; Hafez, 2006; Hassan, 2014; Leenaars & Wenckstern, 2004; Pedahzur, 2006; Pipes, 2005; Speckhard & Ahkmedova, 2006a)
روند تصمیم‌گیری مهاجمان انتحاری	(Azam, 2005; Caplan, 2006; Gupta, 2005; Larzillière, 2017)
نقش و روند تروریست‌های زن در عملیات‌های انتحاری	(Bloom, 2007; Dalton & Asal, 2011; Jacques & Taylor, 2008; Jah-anbani & Willis, 2019; Speckhard & Ahkmedova, 2006b)
استراتژی‌ها و تاکتیک‌های سازمان‌های تروریستی در تروریسم انتحاری	(Acosta, 2016; Atran, 2003, 2004; Ayers, 2008; Berman & Laitin, 2005; Bloom, 2005; Cook, 2002; Hafez, 2006; Kydd & Walter, 2006; Moghadam, 2006a; Pape, 2005)
نقش عوامل اجتماعی مؤثر در تروریسم انتحاری	et al., 2010; Burdman, 2003; Choi & Piazza, 2016; (Benmelech Khashan, 2003; Sayre, 2009),
نقش اشغال خارجی در تروریسم انتحاری	Piazza, 2008; (Atran, 2006; Moghadam, 2006b; Pape, 2005; Santifort-Jordan & Sandler, 2014)
ساختارهای فرصت‌ساز تروریسم انتحاری	(Gruenewald et al., 2019; Hsu & Apel, 2015; Perry et al., 2017; Perry & Hasisi, 2015)

ادبیات نظری

مبانی مفهومی

پایگاه جهانی تروریسم، حمله تروریستی را به معنای تهدید یا استفاده واقعی از زور و خشونت غیرقانونی توسط یک بازیگر غیردولتی برای دستیابی به یک هدف سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا اجتماعی از طریق ترس، اجبار یا تهدید تعریف می‌کند (GTD, 2019: 10). حملات تروریستی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. تروریسم انتحاری و تروریسم غیرانتحاری. در بررسی ادبیات موجود در مورد تروریسم انتحاری، هوروویتز (۲۰۱۵) تفاوت زیادی در انتخاب اصطلاحات دانشمندان مانند تروریسم انتحاری، حملات انتحاری، بمب‌گذاری انتحاری و مأموریت‌های انتحاری یافت. اما می‌توان

عنوان داشت حمله انتحاری حمله‌ای است که در آن شواهدی وجود داشته باشد که نشان دهد مجرم قصد داشته است خود را بکشد تا به افراد دیگر و یا اموال آسیب برساند (GTD, 2019: 27). پیپ (۲۰۰۳) تروریسم انتحاری را از سایر اقدامات تروریستی متمایز می‌کند و عنوان می‌دارد که اگر عامل انتحاری انتظار زنده ماندن نداشته باشد یا موفقیت عملیات انتحاری به مرگ یک عامل تروریستی بستگی داشته باشد، یک حادثه تروریسم انتحاری است. در این مطالعه، علی‌رغم عبارات مختلفی که در ادبیات موضوعی مرور شد و کاربرد دارد، از عبارت «تروریسم انتحاری» استفاده شده است.

مبانی نظری

اساساً دو دیدگاه پژوهشی مجزا در مورد مطالعه تروریسم انتحاری را می‌توان در ادبیات تخصصی آن یافت: دیدگاه وضعی و دیدگاه خصیصه‌ای (Perry et al., 2017). رویکرد خصیصه‌ای در پی یافتن پاسخ برای پرسش «چرا؟» است و عمده هدف آن درک علل اساسی تروریسم انتحاری است. رویکرد وضعی (موقعیتی) در پی پاسخگویی به سوال «چگونگی؟» برای کشف استراتژی‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های تروریسم انتحاری است (Clarke & Newman, 2006). به عبارت دیگر، رویکرد خصیصه‌ای، که عمدتاً به رشته‌های روانشناسی و علوم سیاسی متکی است، در پی کشف انگیزه‌های درونی و مطالبات فردی و جمعی عناصر تروریست است. لکن هدف از رویکرد وضعی (موقعیتی) تجزیه و تحلیل ساختار فرصت‌های تروریستی با استفاده از اصولی است که نشأت گرفته از نظریه‌های فرصت و انتخاب عقلانی در رشته جرم‌شناسی است.

تحقیقات مبتنی بر رویکرد خصیصه‌ای به دنبال تجزیه و تحلیل تروریسم انتحاری از سه بعد مختلف است: مهاجم انتحاری (سطح فردی)، گروه تروریستی (سطح سازمانی) و جامعه طرفدار و حامی تروریسم انتحاری (سطح اجتماعی). تحقیقات در سطح فردی تلاش کرده است عوامل فشار و کششی را که افراد را وادار به دست زدن به تروریسم انتحاری می‌کند، کشف کند. چندین عامل فردی به عنوان عوامل تروریسم انتحاری شناسایی شده‌اند: مسائل روانشناختی و شخصیت‌اقتدارگرا، انگیزه‌های نوع‌دوستی، باورهای مذهبی و انتقام شخصی.

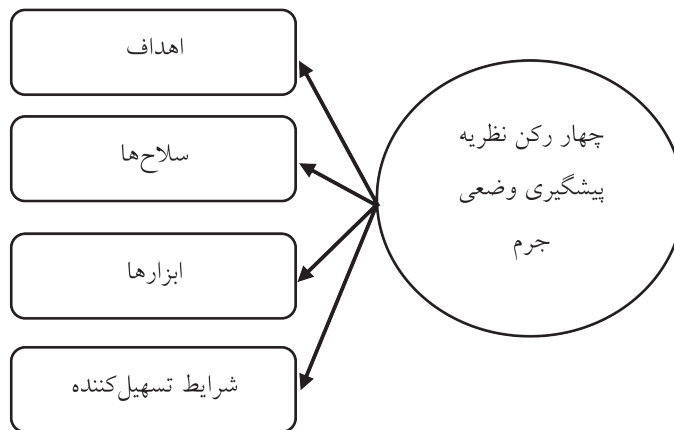
تحقیق در مورد سطح سازمانی تروریسم انتحاری به دنبال درک نقش عوامل سازمانی است.

مانند سلاح‌های استراتژیک یا مزیت‌های تاکتیکی.

تحقیقات در سطح جامعه به دنبال کشف نقش شرایط بد اقتصادی است. یا برخی از تحقیقات در خصوص نقش آموزه‌های رسمی و مذهبی گروه‌ها است. یا آنچه برخی از پژوهشگران، اسلام سیاسی نامیده‌اند. یا حتی تحقیقاتی در خصوص نقش اشغال خارجی نقض حقوق بشر (Demir&Guler, 2021:107-108).

اما مطالعه حاضر به دنبال فراهم آوردن بستری برای درک ماهیت عملیات انتحاری در چارچوب نظریه پیشگیری وضعی جرم است. از چهار فرض اصلی نظریه پیشگیری وضعی جرم یعنی اهداف، سلاح‌ها، ابزارها و شرایط تسهیل‌کننده و آنچه در مرکز دیتابیس جهانی تروریسم در دسترس است، سعی شده تا این مبحث بررسی شود که تروریسم انتحاری بر اساس منطقه، نوع هدف، نوع حمله، نوع سلاح و نوع سازمان تروریستی به چه علت از عملیات انتحاری استفاده می‌کند. بنابراین، مطالعه حاضر از چهار رکن اصلی نظریه پیشگیری وضعی جرم برای تجزیه و تحلیل وجه تمایز بین تروریسم انتحاری و غیرانتحاری در سطح جهان استفاده می‌کند.

شکل ۱. چهار رکن نظریه پیشگیری وضعی جرم



اساساً تحقیقات مبتنی بر رویکرد وضعی شامل ایده‌ها و اصولی از نظریه پیشگیری وضعی جرم است. کلارک و نیومن (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که از این نظریه می‌توان با کاهش فرصت‌ها و افزایش خطرات برای سازمان‌های تروریستی و هرگونه تروریست برای جلوگیری از تروریسم استفاده کرد. از دیدگاه این نظریه، یک جرم، یک حمله تروریستی و یک حادثه، کاملاً متفاوت

هستند. با این حال، تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت (به عنوان مثال جنایت، حمله تروریستی یا حادثه) برای درک عوامل محیطی و اجتماعی در آن حیاتی است (Newman, 2014). به گفته نیومن، پیشگیری وضعی از تروریسم بر سه اصل عملی مبتنی است: فرصت، انتخاب عقلانی و مداخله^۱. شرایط اجتماعی و محیطی که یک فعالیت تروریستی را ممکن می‌سازد، نیاز به بررسی دقیق برای درک عوامل تسهیل‌کننده در آن دارد. تروریست‌ها حتی اگر در نوع تصمیماتی که می‌توانند بگیرند محدود باشند، تصمیم‌گیرنده عقلانی هستند. همه این تلاش‌ها برای تجزیه و تحلیل فرصت‌های جنایت و روند تصمیم‌گیری تروریست‌ها به منظور مداخله موفق برای جلوگیری از حمله تروریستی انجام می‌شود. بنابراین پیشگیری از حمله تروریستی نیاز به تجزیه و تحلیل گام‌به‌گام موارد مورد نیاز برای کاهش احتمال موفقیت تروریست و در عین حال افزایش خطر آنچه تروریست‌ها در ذهنشان برای حمله طراحی می‌کنند، دارد.

کلارک و نیومن (۲۰۰۶) برای تجزیه و تحلیل فعالیت‌های تروریستی یک استراتژی ارائه می‌دهند و استدلال می‌کنند که چهار ستون فرصت‌های تروریستی (اهداف، سلاح‌ها، ابزارها و شرایط تسهیل‌کننده) برای جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی و کاهش احتمال یک حمله تروریستی موفق، باید مورد بررسی دقیق قرار گیرند. کلارک و نیومن همچنین استدلال می‌کنند که اگرچه تروریست‌ها می‌توانند به هر هدفی حمله کنند، اما هنگام انتخاب محل حمله باید چندین متغیر را به دقت ارزیابی کنند.

محققان از مخفف «EVIL DONE» برای نشان دادن این متغیرهای مرتبط با هدف استفاده می‌کنند و خاطر نشان می‌کنند که تروریست‌ها ترجیح می‌دهند به اهدافی که در معرض دید^۲، حیاتی^۳، نمادین^۴، مشروع^۵، تخریب‌پذیر^۶، اشغال‌شده^۷، نزدیک^۸ و آسان^۹ حمله کنند.

1- Intervention

2- Exposed

3- Vital

4- Iconic

5- Legitimate

6- Destructible

7- Occupied

8- Near

9- Easy

محققان همچنین استدلال می‌کنند که تروریست‌ها هنگام انتخاب سلاح برای حمله خود محاسبات جدی انجام می‌دهند. در خصوص کلمات کلیدی و مخفف «MURDEROUS»، کلارک و نیومن توضیح دادند که تروریست‌ها سلاح‌های ترجیحی را به عنوان چندمنظوره^۱، غیرقابل کشف^۲، قابل جابجایی^۳، مخرب^۴، خوشایند^۵، قابل اطمینان^۶، قابل دستیابی^۷، سبک و ساده^۸ و ایمن^۹ توصیف می‌کنند. تروریست‌ها معمولاً از سلاح‌هایی استفاده می‌کنند که تهیه آنها آسان است و برای به حداقل رساندن خطر حمله ناموفق نمی‌خواهند نوعی سلاح را که در گذشته برای آنها خوب کار کرده است کنار بگذارند (Demir & Guler, 2021: 108).

ستون سوم فرصت‌های تروریستی مربوط به ابزاری است که تروریست‌ها برای انجام حملات خود نیاز دارند. تروریست‌ها ابزارهای مختلفی برای انتخاب دارند، از جمله تلفن‌های همراه، اتومبیل‌ها، کارت‌های اعتباری و اسناد جعلی. کلارک و نیومن (۲۰۰۶) می‌گویند، از منظر پیشگیری وضعی تروریسم، در صورت کنترل این ابزارها یا حداقل برخی از مکانیزم‌های کنترل برای دسترسی تروریست‌ها به این ابزارها، می‌توان از فعالیت‌های تروریستی جلوگیری کرد.

ستون نهمایی فرصت‌های تروریستی به شرایط تسهیل‌کننده یا عوامل گسترده اجتماعی است که به تروریست‌ها اجازه می‌دهد فعالیت‌های خود را انجام دهند. کلارک و نیومن پنج ویژگی تسهیل‌کننده را شناسایی کردند که آنها را با اختصار «ESEER» نام نهاده‌اند که عبارتند از: آسان^{۱۰}، ایمن^{۱۱}، توجیه‌پذیر^{۱۲}، فریبنده^{۱۳} و پُرثمر و باارزش^{۱۴}.

-
- 1- Multipurpose
 - 2- Undetectable
 - 3- Removable
 - 4- Destructive
 - 5- Enjoyable
 - 6- Reliable
 - 7- Obtainable
 - 8- Uncomplicated
 - 9- Safe
 - 10- Easy
 - 11- Safe
 - 12- Excusable
 - 13- Enticing
 - 14- Rewarding

محققان می‌گویند، تجزیه و تحلیل دقیق این شرایط تسهیل‌کننده می‌تواند به مقامات ضدتروریسم کمک کند تا استراتژی‌های پیشگیری از حملات تروریستی را توسعه دهند. برخی از مطالعات تجربی در بررسی ادبیات پژوهش برای بررسی کاربرد نظریه پیشگیری وضعی جرم در تروریسم انجام شده است. با این حال، این مطالعات قادر به ارائه بینشی در مورد چگونگی انتخاب تروریست‌ها برای حمله به اهداف نیستند. مطالعات اخیر (Gruenewald, Allison-Gruenewald, & Klein, 2015; Klein, Gruenewald, & Smith, 2017; Mandala & Freilich, 2017, 2018; Ozer & Akbas, 2011) از نظریه پیشگیری وضعی جرم برای تجزیه و تحلیل حملات تروریستی واقعی استفاده کرده‌اند. این مطالعات تصویری واقع‌بینانه‌تر از عوامل وضعی که موجب حملات تروریستی و اطلاعات دقیق‌تری در مورد کاربرد نظریه پیشگیری وضعی جرم در تروریسم ارائه می‌دهند. فقط در یکی از آخرین مطالعات (گرون والد و همکاران، ۲۰۱۹) از نظریه پیشگیری وضعی جرم برای توضیح تفاوت بین حوادث تروریستی انتحاری و غیرانتحاری که توسط گروه‌های راست افراطی و رادیکال اسلامی در ایالات متحده انجام شده، استفاده شده است. با این حال، حتی آن مطالعه همه ارکان نظریه پیشگیری وضعی جرم را به دلیل ارتباط آنها با فرصت‌های تروریستی بررسی نکرده است (Gruenewald et al., 2019). مطالعه حاضر در تلاش است تا با تجزیه و تحلیل تفاوت بین تروریسم انتحاری و حوادث تروریستی غیرانتحاری در ارتباط با تمام ارکان نظریه پیشگیری وضعی جرم (یعنی اهداف، سلاح‌ها، ابزارها و شرایط تسهیل‌کننده) این خلاء را پر کند. مطالعه حاضر بر روی این سوال تمرکز دارد که وجوه تمایز تروریسم انتحاری بر اساس نوع حمله، نوع هدف، نوع سلاح و نوع سازمان تروریستی، با دیگر اشکال دیگر تروریسم (غیرانتحاری) که بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۷ اتفاق افتاده است، چیست؟

فرضیه ۱: عملیات تروریستی انتحاری به علت دشواری‌ها و محدودیت‌هایی، کم‌تر از سایر استراتژی‌های عملیاتی در بین تروریست‌ها رواج دارد.

این فرضیه تفاوت بین تروریسم انتحاری و سایر اشکال تروریسم را بر اساس «نوع حمله»^۱ بررسی می‌کند. نوع حمله به روش کلی عملیات و حمله اشاره دارد. سازمان‌های تروریستی هنگام

1- Attack Type

انجام عملیات انتحاری از چندین نوع حمله استفاده می کنند (به عنوان مثال ترور، حمله مسلحانه/ غیرمسلحانه، بمب گذاری/ انفجار، هواپیماربایی/ گروگان گیری و حمله به تاسیسات/ زیرساخت ها و یا عملیات انغماسی). از آنجا که تروریست ها برای انجام حملات انتحاری خود، به ابزارهای مختلفی نیاز دارند، قبل از تصمیم گیری در مورد استفاده از انواع حملات، در طراحی عملیات به دقت خطرات و مزایا را محاسبه می کنند. طبق نظریه پیشگیری وضعی جرم، تروریست ها به عنوان بازیگران عقلانی، نوع حمله مورد استفاده را بر اساس ابزارها و منابع موجود محاسبه می کنند (Newman, 2014: 116). اگر تروریست ها مایل به حمله به هدفی مطلوب اما دشوار برای دستیابی به آن باشند، نوع حمله ای که برای تروریسم انتحاری طرح ریزی و نهایی می شود، بمب گذاری/ انفجار خواهد بود؛ چرا که عناصر انتحاری (بمب گذاران) مایلند جان خود را فدا کنند تا به اهداف خود برسند. حملات انتحاری از نظر دقت، تخریب و انعطاف پذیری برای سازمان های تروریستی کارآمدی بسیاری دارد. به عنوان عوامل انسانی و به تعبیری عناصر انتحاری، بمب گذاران انتحاری قبل از شروع حملات خود آموزش های گسترده ای می بینند. این آموزش برای اطمینان از حداکثر آسیب ها و تلفات، موفقیت عملیاتی و توانایی استفاده از تاکتیک های جایگزین در صورت لزوم است. بنابراین بمب گذاری/ انفجار، ویژگی های نه گانه MURDEROUS (چندمنظوره، غیرقابل شناسایی، قابل جابجایی، تخریب کننده، لذت بخش، قابل اطمینان، قابل دستیابی، بدون عارضه و ایمن) را منعکس می کند.

فرضیه ۲: تروریست های انتحاری برای انجام این گونه عملیات ها، از مواد منفجره به نسبت سایر سلاح های تروریستی، استفاده بیشتری می کنند.

این فرضیه تفاوت های نوع سلاح و ابزار را در تروریسم انتحاری بررسی می کند تا مشخص شود آیا در انتخاب تروریست ها از سلاح برای حمله انتحاری تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟ نوع سلاح به انواع سلاح های مورد استفاده در عملیات های تروریستی اشاره دارد. سازمان های تروریستی در واقع از چندین نوع سلاح (مانند سلاح گرم و مواد منفجره، جلیقه انتحاری و...) در تروریسم انتحاری استفاده می کنند. با این حال، اختصار MURDEROUS نشان می دهد که سازمان های تروریستی باید سلاح های چندمنظوره، غیرقابل کشف، قابل جابجایی، مخرب، لذت بخش، قابل

اطمینان، قابل دستیابی، بدون عارضه و ایمن را ترجیح دهند. در حالی که بیشتر حملات تروریستی با استفاده از سلاح‌های سبک^۱ انجام می‌شود، تروریست‌های انتحاری ترجیح می‌دهند از مواد منفجره استفاده کنند؛ به این خاطر که این وسایل کاربرد گسترده‌تری در حملات انتحاری دارند و احتمال افزایش تعداد تلفات را بالا می‌برد (Hoffman & McCormick, 2004; Newman, 2014). حتی اگر مواد منفجره خطر بیشتری برای کشف داشته و در مقایسه با سلاح‌های سبک، پیچیده‌تر و با خطر بالاتری باشند، تروریست‌ها ترجیح می‌دهند از مواد منفجره استفاده کنند تا عملیات‌ها قابل اطمینان و مخرب‌تر صورت گیرد.

فرضیه ۳: تروریست‌های انتحاری معمولاً سعی دارند نیروهای نظامی-امنیتی را مورد هدف قرار دهند.

این فرضیه بررسی می‌کند که آیا تفاوت معناداری بر اساس نوع هدف در تروریسم انتحاری وجود دارد یا خیر؟ نوع هدف یا همان قربانی، به نوع کلی هدف/ قربانی اشاره دارد. سازمان‌های تروریستی اهداف مختلفی را انتخاب می‌کنند. به عنوان مثال تأسیسات حیاتی، کسب و کارهای مهم و اثرگذار بر نبض اقتصاد و جامعه، ساختمان‌های دولتی، ساختمان‌های نظامی/ پلیس، اماکن دیپلماتیک، تجهیزات حمل و نقل، اماکن مذهبی، شهروندان، گردشگران. با این حال، نظریه پیشگیری وضعی جرم نشان می‌دهد که سازمان‌های تروریستی ترجیح می‌دهند به اهدافی حمله کنند که خصوصیات هشت‌گانه EVIL DONE را منعکس کند؛ به عبارتی این ویژگی که اهدافی در معرض دید، حیاتی، نمادین، مشروع، تخریب‌پذیر، اشغال‌شده، نزدیک و آسان باشند، برایشان مهم است. از آنجا که نیروهای نظامی-امنیتی در معرض اهداف حیاتی و قانونی قرار دارند، اهداف اصلی تروریسم انتحاری هستند. سازمان‌های تروریستی ترجیح می‌دهند برای اثبات اقتدار و توانایی سازمان در حمله به اهداف با امنیت خوب و ارسال این پیام که نیروهای امنیتی اهداف قانونی برای تلافی هستند، به نیروهای امنیتی حمله کنند (Gruenewald et al., 2019: 63-64). علاوه بر این، نیروهای نظامی-امنیتی به اهداف آسان تروریسم انتحاری تبدیل می‌شوند؛ چرا که بمب‌گذاران انتحاری ترجیح می‌دهند به اهداف در معرض، حیاتی و برجسته‌ای حمله کنند که نیروهای

امنیتی مسئول محافظت آنها هستند. بنابراین نیروهای نظامی-امنیتی، بیشتر در معرض تروریسم انتحاری قرار می‌گیرند زیرا برای جلوگیری از حملات تروریستی در خط مقدم اهداف تروریست‌ها هستند و بیشترین سطح تماس را با تهدیدات دارند.

فرضیه ۴: آنچه به عنوان مذهب در ایدئولوژی گروه‌های تروریستی محوریت می‌یابد، موجب روی آوردن بیشتر اینگونه سازمان‌ها به نسبت سایر اشکال تروریسم به عملیات انتحاری می‌شود.

آخرین فرضیه این مطالعه بررسی می‌کند که ایدئولوژی مذهبی چه تأثیری بر استفاده سازمان‌های تروریستی از تروریسم انتحاری دارد؟ همانطور که ابتدای پژوهش اشاره شد، سازمان تروریستی با وابستگی ایدئولوژیکی مشخصی فعالیت دارند. به عنوان مثال ملی‌گرایانه/ جدایی‌طلب/ قومی^۱، چپ/ انقلابی^۲، مذهبی، جناح راست^۳، برتری‌طلب^۴ و تک‌مسئله^۵ که در کارنامه خود از تروریسم انتحاری استفاده کرده‌اند. اما متأسفانه مبانی نظری SCP، که تروریسم را از منظر موقعیتی و وضعی مبتنی بر چهار ستون فرصت‌های تروریستی (یعنی اهداف، سلاح‌ها، ابزارها و شرایط تسهیل‌کننده) تجزیه و تحلیل می‌کند، به تأثیر ایدئولوژی بر تروریسم انتحاری نمی‌پردازد. پیپ^۶ معتقد است که ارتباط وثیقی بین تروریسم انتحاری و مذهب وجود ندارد. به عنوان مثال ببرهای تامیل سریلانکا با آمار حملات تروریستی بالا، عملاً یک گروه مارکسیست-لنینیست است. تمامی تروریست‌ها برای خود یک هدف استراتژیک و سکولار دارند که مقابله با دموکراسی‌ها یکی از ابعاد آن است (عبداللهی ضیاءالدینی، ۱۴۰۰: ۱۸۳). اما برای درک جامع‌تری از انگیزه سازمان‌های تروریستی برای تروریسم انتحاری به دیدگاه جدیدی نیاز است. مطالعات تجربی (Demir & Guler, 2021; Drake, 1998; Horowitz, 2015) نشان داده است که گروه‌های تروریستی مذهبی محور (مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی) به طور قابل

1- Nationalist/separatist/ethnic

2- Leftist/Revolutionary

3- Right-wing

4- Supremacist

5- Single-Issue

6- Pape

توجهی بیشتر از سایر گروه‌های تروریستی از تروریسم انتحاری به عنوان یک استراتژی سازمانی استفاده می‌کنند. سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور، بمب‌گذاری انتحاری را بیش از سایر سازمان‌های تروریستی ترجیح می‌دهند، زیرا سازمان‌های تروریستی مذهبی می‌توانند حملات خود را به راحتی در افکار عمومی خود توجیه کنند و هدف آنها حداکثر رساندن تلفات در دشمنان‌شان است (Demir & Guler, 2021: 111). عملیات‌های چندسال اخیر داعش در نقاط مختلف دنیا از جمله این موارد بوده است. بنابراین، سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور، بیشتر از سایر گروه‌های تروریستی احتمالاً در عملیات‌های انتحاری نقش دارند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به محدودیت‌های دسترسی به داده‌های تروریسم در جهان، داده‌ها از پایگاه جهانی تروریسم^۱ که توسط کنسرسیوم ملی مطالعه تروریسم و پاسخ به تروریسم^۲ در دانشگاه مریلند جمع‌آوری شد، محوریت استناد این مقاله قرار گرفته است. این مرجع علمی، حاوی داده‌هایی درباره حوادث تروریسم در سراسر جهان است که از مطالب عمومی مانند مقالات رسانه‌ای، اخبار الکترونیکی و اسناد حقوقی جمع‌آوری شده است و سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۷ را پوشش می‌دهد. در آن دوره، در مجموع ۱۸۱،۶۹۱ حادثه تروریستی ثبت شده است. از این تعداد، ۳،۷ درصد مساوی با ۶۳۳۳ مورد حوادث تروریستی انتحاری بوده است، در حالیکه ۹۶،۴ درصد برابر با ۱۷۵،۰۵۸ تعداد، حوادث تروریستی غیرانتحاری بوده است (GTD, 2019). بر اساس داده‌های این پایگاه، در مورد اینکه آیا برخی از حوادث موجود در پایگاه داده از نظر سه معیار GTD عنوان اقدام تروریستی اتلاق می‌شود، نمی‌توان تصمیم قطعی گرفت. بنابراین، حوادث مشکوک که برابر با ۳۸۹۸۶ مورد ثبت شده است، برای افزایش اعتبار سنجش متغیر مورد نظر که «حادثه تروریستی قطعی» بوده است، از پایگاه داده حذف شدند. حوادث تروریستی رخ داده قبل از سال ۱۹۸۱ (تعداد ۱۲۷۶۶ مورد) از این رو منتفی هستند، زیرا اولین حادثه تروریستی انتحاری در

1- GTD

2- START (National Consortium for the Study of Terrorism and Responses to Terrorism)

سال ۱۹۸۱ اتفاق افتاده است. پس از کنار گذاشتن حوادث تروریستی مشکوک و حوادث تروریستی که قبل از سال ۱۹۸۱ رخ داده است، تعداد کل حوادث تروریستی مورد استفاده در این مطالعه ۱۳۰۱۲۹ مورد بوده است. از این موارد، ۴،۱ درصد برابر با ۵۳۴۷ حادثه، تروریسم انتحاری و ۹۵،۹ درصد برابر با ۱۲۴،۷۸۲ حادثه، تروریسم غیرانتحاری بوده است.

متغیر وابسته

متغیر وابسته باینری یا دودویی بود و در دسته انتحاری یا غیرانتحاری قرار گرفته است. حمله انتحاری به مواردی گفته می‌شود که شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه مرتکب قصد نداشته زنده از این حمله فرار کند (GTD, 2019, 27). همانطور که قبلاً بحث شد، تصمیم گرفته شد که از واژه تروریسم انتحاری به جای اصطلاح مشابه، حمله انتحاری استفاده شود. تروریسم انتحاری به صورت زیر کدگذاری شده است: ۱ = بله = ۰ = خیر.

متغیر مستقل

چهار متغیر مستقل مورد استفاده در این تحقیق شامل نوع حمله، نوع سلاح، نوع هدف/ قربانی و نوع سازمان تروریستی بود.

نوع حمله به صورت زیر اندازه‌گیری شد: با ۹ دسته شروع شد؛ اما برخی از آنها باهم جمع شد تا تعداد کل به شش تقلیل داده شود (۱= ترور، ۲= حمله (سلاح/ غیرسلاح)، ۳= بمب‌گذاری/ انفجار، ۴= هواپیماربابی/ گروگان‌گیری، ۵= امکانات/ زیرساخت‌ها، ۶= ناشناخته).

نوع سلاح به صورت زیر اندازه‌گیری شد: با ۱۳ دسته شروع شد، اما بعضی از آنها باهم ترکیب شد تا تعداد کل به شش تقلیل داده شود (۱= بیولوژیکی/ شیمیایی/ رادیولوژیکی، ۲= سلاح گرم، ۳= مواد منفجره/ آتش‌زا، ۴= سلاح قلابی/ سلاح دستی یا نزدیک‌زن^۱ و تجهیزات خرابکاری، ۵= وسیله نقلیه، ۶= دیگر/ ناشناخته).

نوع هدف/ قربانی به شرح زیر اندازه‌گیری شد: تقسیم‌بندی با ۲۲ دسته شروع شد اما برخی از آنها ترکیب شد تا تعداد کل به ۱۰ کاهش داده شود (۱= تجارت، ۲= مراکز حاکمیتی

(عمومی و دیپلماتیک)، ۳= نیروهای نظامی-امنیتی (پلیس / نظامی)، ۴= حمل و نقل (فرودگاه‌ها و هواپیماها/اندرونی / سایر هواپیماها و مخابرات)، ۵= موسسات آموزشی / مراکز مذهبی / سازمان‌های غیردولتی، ۶= امکانات تأمین غذا یا آب، ۷= روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها/گردشگران، ۸= شهروندان و املاک خصوصی، ۹= تروریست‌ها/ شبه‌نظامیان غیردولتی / احزاب سیاسی خشن، ۱۰= ناشناخته / دیگر/دمرتب با سقط جنین).

نوع سازمان تروریستی به عناصری که بر اساس منش خاصی حادثه تروریستی را طراحی و هدایت می‌کنند، اشاره دارد. این سازمان‌ها بر اساس وابستگی‌های ایدئولوژیکی خود در شش دسته قرار گرفتند (۱= ملی‌گرایانه / جدایی‌طلب / قومی، ۲= چپ / انقلابی، ۳= مذهبی محور، ۴= جناح راست / برتری طلب، ۵= تروریست تک‌مسئله (حیوان، زمین، دگرباشان جنسی، ضدبارداری، مواد مخدر و...)، ۶= طبقه‌بندی نشده / ناشناخته). برای ایجاد گونه‌شناسی برای سازمان‌های تروریستی، از سیستم طبقه‌بندی توسعه‌یافته توسط وایت (۲۰۱۶) به عنوان چارچوبی برای شناسایی ایدئولوژی هر گروه استفاده شده است. کنسرسیوم تحقیق و تجزیه و تحلیل تروریسم^۱ (۲۰۱۹) با اصلاح و تکمیل نوع‌شناسی، اطلاعات بیشتری را ارائه داد. هر سازمان تروریستی در این مجموعه، طبقه‌بندی و بررسی شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزار آماری Stata نسخه ۱۴٫۲ انجام شد. آمار توصیفی محاسبه شده و آزمون آماری مجذور کای پیرسون برای تجزیه و تحلیل متغیر انجام شده است، زیرا متغیرهای مستقل / کنترل و متغیرهای وابسته طبقه‌ای بودند و متغیرهای مستقل / کنترل برای تجزیه و تحلیل چند متغیره ساختگی^۲ بودند. گروه مرجع متغیرهای مستقل شامل، بمب‌گذاری / انفجار (برای نوع حمله)، نیروهای نظامی-امنیتی (برای نوع هدف)، مواد منفجره / آتش‌زا (برای نوع سلاح) و سازمان تروریستی مذهب محور برای نوع سازمان تروریستی).

1- The Terrorism Research and Analysis Consortium

2- Dummy coded

داده‌ها حاوی مقادیر گمشده^۱ (با نام مستعار ناشناخته/ دیگر مجموعه داده‌ها) بر روی متغیرهای کلیدی، از جمله نوع حمله (۳،۹۱۸ مورد، ۳،۰ درصد گمشده)، نوع هدف (۵،۷۴۱ مورد؛ ۴،۴ درصد گمشده)، نوع سلاح (۹،۱۸۷ مورد؛ ۷،۱ درصد گمشده) و نوع سازمان تروریستی (۶۱،۴۱۷ مورد؛ ۴۷،۲ درصد گمشده). متغیر وابسته (تروریسم انتحاری) هیچ داده گمشده‌ای نداشت. داده گمشده برای نوع سازمان تروریستی و نوع سلاح می‌تواند مشکل‌ساز باشد. با این حال، تعداد داده گمشده برای سایر متغیرها قابل توجه نبود.

درصد زیادی از داده‌های گمشده می‌تواند منجر به کاهش اندازه نمونه (و کاهش قدرت آماری) و تخمین‌های جهت‌گیرانه شود که می‌تواند استنباط راجع به جمعیت مورد مطالعه و هدف را به دلیل تغییر در خطاهای استاندارد دچار انحراف کند. برای پرداختن به داده‌های گمشده، از روش‌های انتزاع^۲ (به عنوان مثال پر کردن داده‌های گمشده) و حذف^۳ (به عنوان مثال دور انداختن داده‌های نامعتبر از تجزیه و تحلیل بیشتر) استفاده شد (Allison, 2002: 59). برای حفظ قدرت آماری و جلوگیری از تخمین‌های جهت‌دار، مقادیر گمشده با استفاده از الگوریتم معادلات زنجیره‌ای^۴ با احتساب‌های متعدد محاسبه شد (Royston, 2009; White, 2011). الگوریتم معادلات زنجیره‌ای فرض می‌کند که مشاهدات به طور تصادفی از بین رفته و به طور تکراری مقادیر گمشده با مقادیر برآورد شده را با تکرار فرآیند محاسبه به دفعات لازم برای ایجاد یک مجموعه کامل، در نظر می‌گیرد (Royston, 2009: 112).

برآوردی از آمارهای توصیفی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱ نتایج آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل دو متغیره را نشان می‌دهد؛

1- Missing values

2- Imputation

3- Omission

4- MICE

جدول ۱.۱. آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل دو متغیره

متغیر	مؤلفه	تروریسم انتحاری			
		بله	خیر	آمار توصیفی	
		%	%	%	n
انتحار	بله	-	-	۴,۱	۵,۳۴۷
	خیر	-	-	۹۵,۹	۱۲۴,۷۸۲
نوع حمله	ترور	۱۰,۲	۴,۶	۱۰,۰	۱۲,۶۰۷
	حمله (مسلح/ غیرمسلح)	۲۲,۳	۰,۶	۲۱,۴	۲۷,۰۰۳
	بمب گذاری/ انفجار	۵۳,۷	۹۳,۱	۵۵,۴	۶۹,۸۹۲
	هوایماریایی/ گروگان گیری	۷,۸	۱,۶	۷,۶	۹,۵۳۱
	امکانات/ زیرساختها	۵,۹	۰,۰۲	۵,۷	۷,۱۷۸
نوع هدف	تجارت	۱۱,۳	۸,۱	۱۱,۲	۱۳,۹۴۹
	مراکز حاکمیت (عمومی و دیپلماتیک)	۱۶,۷	۱۶,۰	۱۶,۶	۲۰,۷۰۰
	نیروهای نظامی-امنیتی	۱۹,۹	۳۷,۳	۲۰,۶	۲۵,۶۴۰
	حمل و نقل	۶,۳	۳,۹	۶,۲	۷,۷۱۵
	موسسات آموزشی/ مراکز مذهبی/ سازمان های غیردولتی	۶,۷	۷,۶	۶,۷	۸,۳۱۳
	امکانات تأمین غذا یا آب	۵,۰	۰,۳	۴,۸	۵,۹۶۸
	روزنامه نگاران و رسانه ها/ گردشگران	۲,۱	۰,۶	۲,۰	۲,۵۲۲
	شهروندان و املاک خصوصی	۲۹,۲	۲۱,۵	۲۸,۹	۳۵,۹۵۰
	تروریست ها/ شبه نظامیان غیر دولتی/ احزاب سیاسی خشن	۲,۹	۴,۶	۲,۹	۳,۶۳۱
نوع سلاح	بیولوژیکی/ شیمیایی/ رادیولوژیکی	۰,۲	۰,۱	۰,۲	۲۸۲
	سلاح گرم	۳۲,۸	۰,۳	۳۱,۴	۳۷,۹۱۶
	مواد منفجره/ آتشزا	۶۴,۷	۹۹,۴	۶۶,۲	۸۰,۰۸۹
	سلاح قلابی/ سلاح دستی یا نزدیکزن	۲,۲	۰,۱	۲,۱	۲,۵۷۵
	وسیله نقلیه	۰,۱	۰,۱	۰,۱	۸۰
نوع تروریسم	ملی گرایانه/ جدایی طلب/ قومی	۲۵,۴	۴,۳	۲۴,۴	۱۶,۷۶۸
	چپ/ انقلابی	۳۳,۸	۰,۳	۳۲,۰	۲۱,۹۵۹
	مذهبی محور	۳۸,۴	۹۴,۷	۴۱,۱	۲۸,۲۶۸
	جناح راست/ برتری طلب	۱,۳	۰,۱	۱,۲	۸۵۲
	تک مسئله/ ناکوتوریسم	۱,۳	۰,۱	۱,۳	۸۶۵

(مؤلفه‌های پررنگ، بیشترین مقادیر در دسته‌بندی‌ها را نشان می‌دهند. X^2 نیز همان آزمون دو طرفه است که در آن مقادیر کوچکتر از ۰,۰۰۱ محاسبه نشده است).

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که تروریسم انتحاری ۴,۱ درصد از کل حوادث تروریسم را تشکیل می‌دهد. متداول‌ترین نوع حمله بمب‌گذاری/ انفجار (۵۵/۴ درصد) و حمله (مسلح/ غیرمسلح) (۲۱/۴ درصد) بوده است. متداول‌ترین نوع هدف، شهروندان و دارایی‌های خصوصی (۲۸/۹ درصد) و نیروهای نظامی-امنیتی (۲۰/۶ درصد) بوده‌اند. متداول‌ترین سلاح‌های مورد استفاده، مواد منفجره/ محترقه (۶۶,۲ درصد) و سلاح گرم (۳۱,۴ درصد) بود. بیشتر حملات توسط سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور (۴۱,۱ درصد) و چپ/ انقلابی (۳۲,۰ درصد) انجام شده است. نتایج آزمون مجذور کای^۱ برای تجزیه و تحلیل متغیر نشان داد که تروریسم انتحاری از نظر آماری به طور معنی داری با نوع حمله ($x^2 = 3300.0; p < .0001$)، نوع هدف ($x^2 = 1200.0, p < .0001$) و نوع سلاح ($x^2 = 2800.0, p < .0001$) و نوع سازمان تروریستی ($x^2 = 4200.0; p < .0001$) ارتباط داشته است. بیشتر حوادث تروریستی انتحاری به نسبت سایر حوادث غیرانتحاری شامل بمب‌گذاری/ امنیتی (۳۷/۳ درصد در مقابل ۱۹/۹ درصد) شامل مواد منفجره/ محترقه به عنوان نوع سلاح (۹۹/۴ درصد در مقابل ۶۴/۷ درصد) بودند و توسط سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور (۹۴,۷ درصد در مقابل ۳۸,۴ درصد) انجام شده بودند.

تحلیل چندمتغیره

برای پیش‌بینی احتمال وقوع حوادث تروریستی انتحاری، از آزمون رگرسیون لجستیک دوحالتی (باینری)^۲، که از متغیرهای مستقل ساختاری ساختگی استفاده می‌کند، استفاده شد. جدول ۲ نتایج تجزیه و تحلیل چندمتغیره به دست آمده از آزمون رگرسیون لجستیک باینری با MICE را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که نوع حمله، نوع هدف، نوع سلاح و نوع سازمان تروریستی به طور معنی داری با احتمال وقوع تروریسم انتحاری ارتباط دارد.

1- Chi-Square Test

2- Binary Logistic Regression Test

جدول ۲. تجزیه و تحلیل چند متغیره: نتایج انتخابی رگرسیون لجستیک دوتایی

با MICE و بدون MICE

Logistic regression without MICE (N = 59,635)			Logistic regression with MICE (N = 130,129)			مولفه	متغیر
OR	SE	b	OR	SE	b		
۰,۸۲	۰,۱۱	-۰,۲۰	۰,۸۴	۰,۳۴	-۰,۱۸	ترور	نوع حمله
۰,۰۹	۰,۷۲	-۲,۳۷	۰,۲۱	۰,۲۷	-۱,۵۷	حمله (مسلح / غیرمسلح)	
-	-	-	-	-	-	بمب گذاری / انفجار	
۱,۲۹	۰,۱۱	۰,۲۵	۱,۲۹	۰,۱۹	۰,۲۵	هواپیما ربابی / گروگان گیری	
۰,۰۰	۱,۲۳	-۵,۴۰	۰,۰۵	۰,۱۵	-۲,۹۸	امکانات / زیرساختها	
۰,۵۸	۰,۱۶	۰,۵۵	۰,۴۶	۰,۰۵	-۰,۷۸	تجارت	نوع هدف
۰,۹۵	۰,۲۶	-۰,۰۵	۰,۷۶	۰,۲۸	-۰,۲۸	مراکز حاکمیت (عمومی و دیپلماتیک)	
-	-	-	-	-	-	نیروهای نظامی-امنیتی	
۰,۴۴	۰,۳۱	-۰,۸۲	۰,۴۲	۰,۱۹	-۰,۸۷	حمل و نقل	
۰,۶۶	۰,۱۹	۰,۴۱	۰,۵۴	۰,۱۶	-۰,۶۲	موسسات آموزشی / مراکز مذهبی / سازمان های غیردولتی	
۰,۰۸	۰,۴۶	-۲,۵۴	۰,۱۰	۰,۲۴	-۲,۳۵	امکانات تأمین غذا یا آب	
۰,۴۸	۰,۰۳	-۰,۷۳	۰,۳۳	۰,۱۰	-۱,۱۱	روزنامه نگاران و رسانه ها / گردشگران	
۰,۳۲	۰,۰۸	-۱,۱۳	۰,۳۱	۰,۰۳	-۱,۱۹	شهروندان و املاک خصوصی	
۰,۸۷	۰,۱۹	-۰,۱۴	۰,۷۳	۰,۱۹	-۰,۳۲	تروریست ها / شبه نظامیان غیردولتی / احزاب سیاسی خشن	
۰,۳۵	۰,۱۲	-۱,۰۶	۰,۵۵	۰,۴۰	-۰,۵۹	بیولوژیکی / شیمیایی / رادیولوژیکی	
	۰,۴۳	-۴,۲۳	۰,۰۳	۰,۲۳	-۳,۵۷	سلاح گرم	
-	-	-	-	-	-	مواد منفجره / آتشزا	
۰,۰۳	۰,۵۹	-۳,۶۵	۰,۰۴	۰,۳۴	-۳,۳۴	سلاح قلابی / سلاح دستی یا نزدیک زن	
۴,۴۴	۰,۹۸	۱,۴۹	۳,۲۴	۱,۰۰	۱,۱۷	وسیله نقلیه	
۰,۱۰	۰,۴۰	-۲,۳۱	۰,۱۱	۰,۰۱۳	-۲,۱۸	ملی گرایانه / جدایی طلب / قومی	نوع تروریسم
۰,۰۳	۱,۰۵	۳,۵۲	۰,۰۹	۰,۳۶	-۲,۳۷	چپ / انقلابی	
-	-	-	-	-	-	مذهبی محور	
۰,۰۶	۱,۰۴	-۲,۸۵	۰,۱۵	۰,۳۶	-۱,۹۱	جناح راست / برتری طلب	
۰,۱۹	۰,۸۵	-۱,۶۵	۰,۱۲	۰,۳۹	-۲,۱۵	تک مسئله / نارکو تروریسم	

(MICE)، همان جا چندگانه بوسیله معادلات زنجیره‌ای است که در آمار، فرآیند جایگزین کردن داده‌های گم‌شده با مقدارهای جایگزین است. مؤلفه‌های پررنگ در جدول، گروه‌های مرجع هستند).

در مقایسه با بمب‌گذاری/ انفجار، حمله و تأسیسات زیرساخت‌ها انواع حمله‌هایی بودند که به‌طور چشمگیری با تروریسم انتحاری مرتبط بودند. انواع حمله ترور و آدم‌ربایی/گروگانگیری از نظر آماری پیش‌بینی‌کننده تروریسم انتحاری نبودند. به غیر از هواپیماربایی/گروگانگیری، بمب‌گذاری/ انفجار بیش از هر نوع حمله دیگری است. به طور خاص، احتمال حمله نوع حمله (OR=0.21)، ۷۹ درصد کمتر و احتمال حمله/تأسیسات (OR=0.05) نوع حمله ۹۵ درصد کمتر است. همچنین در مقایسه با بمب‌گذاری/ انفجار، احتمال نوع حمله (OR=0.84) ۱۶ درصد کمتر است، در حالی که احتمال حمله هواپیماربایی/گروگان‌گیری از نوع حمله (OR=1.29) ۲۹ درصد بیشتر است. با این حال، این احتمالات از نظر آماری معنی‌دار نبودند.

در مقایسه با نیروهای امنیتی، انواع دیگر اهداف (به غیر از دولت و تروریست‌ها/ شبه‌نظامیان غیردولتی/ حزب سیاسی خشن) از نظر آماری پیش‌بینی‌کننده تروریسم انتحاری بوده و کمتر احتمال دارد که نوع هدف باشد. به طور خاص، کمترین احتمال حمله به غذا/ تأمین آب/ آب و برق وجود دارد (OR=0.10) و به دنبال آن شهروندان خصوصی و املاک (OR=0.31)، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها/ گردشگران (OR=0.33)، حمل‌ونقل/ ارتباط از راه دور (OR=0.42)، تجارت (OR=0.46) و موسسات (OR=0.54) احتمال وجود نوع هدف دولت (OR=0.76) و تروریست‌ها/ شبه‌نظامیان غیردولتی/ حزب سیاسی خشن (OR=0.73) نیز احتمال کمتری داشت اما از نظر آماری معنی‌دار نبود.

در مقایسه با مواد منفجره/ محترقه، انواع دیگر سلاح‌ها، به جز بیولوژیکی/ شیمیایی/ رادیولوژی و خودرو، از نظر آماری پیش‌بینی‌کننده تروریسم انتحاری بودند. در مقایسه با مواد منفجره/ محترقه، بقیه انواع سلاح‌ها به غیر از وسیله نقلیه، در تروریسم انتحاری کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند (OR=3.24). به‌طور مشخص، نسبت شانس نشان می‌دهد که وسیله نقلیه حدود ۳ برابر بیشتر احتمال دارد که نوع سلاح مورد استفاده باشد (البته از نظر آماری معنی‌دار نیست)، در حالی که سلاح گرم (OR=0.03) ۹۷ درصد^۱ بود. سلاح‌های جعلی/ نزدیک‌زن/ تجهیزات خرابکاری

($OR = 0.04$) معادل ۹۶ درصد کمتر احتمال دارد که نوع سلاح مورد استفاده باشد. نهایتاً، در مقایسه با سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور، همه انواع دیگر سازمان‌های تروریستی از نظر آماری پیش‌بینی‌کننده تروریسم انتحاری بودند و کمتر درگیر تروریسم انتحاری بودند. به طور مشخص، سازمان‌های تروریستی چپ/انقلابی با ۹۱ درصد، کمترین احتمال درگیر شدن در تروریسم انتحاری و به دنبال آن سازمان‌های ملی‌گرایانه/جدایی‌طلب/تروریستی قومی با ۸۹ درصد، تروریست‌های تک‌مسئله با ۸۸ درصد و سازمان‌های تروریستی راست‌گرا با ۸۵ درصد از این جمله هستند.

جدول ۲ همچنین نتایج تجزیه و تحلیل چندمتغیره به دست آمده از آزمون رگرسیون لجستیک باینری و بدون MICE را نشان می‌دهد که به عنوان تجزیه و تحلیل تکمیلی انجام شده است. در این مدل تکمیلی، تروریست‌های تک‌مسئله (مانند مواد مخدر) از نظر آماری با تروریسم انتحاری ارتباط معناداری نداشتند، در حالی که هواپیماربایی/گروگان‌گیری، بیولوژیکی/شیمیایی/رادیولوژی، پیش‌بینی‌کننده تروریسم انتحاری شدند. از نظر سطح معنی‌داری، یافته‌های سایر متغیرها در هر دو مدل یکسان بود. به طور کلی، نتایج تجزیه و تحلیل تکمیلی نشان می‌دهد که یافته‌های آزمون رگرسیون لجستیک باینری با MICE قوی بوده است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه بررسی کرده است که تروریسم انتحاری بر اساس نوع حمله، نوع هدف، نوع سلاح و نوع سازمان تروریستی چه وجه تمایزی با مدل غیرانتحاری تروریسم دارد. تجزیه و تحلیل‌های دومتغیره و چندمتغیره نشان داده است که تروریسم انتحاری با تمام متغیرهای مستقل فوق‌الذکر رابطه دارد. به طور خاص، تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان داد که برای حوادث تروریستی انتحاری، متداول‌ترین نوع حمله بمب‌گذاری/انفجار است. همچنین نوع هدف تروریسم انتحاری که در برابر آن اقدام کرده‌اند، نیروهای نظامی-امنیتی از جمله ارتش و پلیس هستند. سلاحی که بیشتر اوقات در تروریسم انتحاری استفاده می‌شود مواد منفجره/محرترقه بوده است. همچنین سازمان‌های تروریستی مذهب پایه، بیش از هر نوع سازمان تروریستی دست به حملات تروریستی انتحاری می‌زنند.

تجزیه و تحلیل چندمتغیره همچنین نشان داده است که تروریسم انتحاری، در مقایسه با انواع دیگر حملات، از نظر نوع اهداف و نوع سلاح‌ها، نوع حمله ترجیحی، نوع هدف و نوع سلاح به ترتیب بمب‌گذاری/ انفجار، نیروهای امنیتی و مواد منفجره/ آتش‌زا است. سرانجام، در مقایسه با سایر سازمان‌های تروریستی، سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور بیشتر از هر نوع سازمان تروریستی در تروریسم انتحاری نقش دارند.

نتایج به‌طور کامل از ۴ فرضیه این مطالعه پشتیبانی می‌کند. همانطور که اختصار ESEER از کلارک و نیومن (۲۰۰۶) نشان می‌دهد، تروریست‌ها ترجیح می‌دهند که تروریسم انتحاری را انجام دهند، در صورتی که شرایط تسهیل‌کننده اقدام تروریستی، انجام این کار را آسان می‌کند. این یافته‌ها همچنین فرضیه اول را پشتیبانی می‌کند که معتقد است بمب‌گذاری/ انفجار در مقایسه با انواع دیگر حملات بیشتر در تروریسم انتحاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از تروریسم انتحاری از بین بردن هدف و افزایش کشندگی است (Alakoc, 2017; Santifort-Jordan & Sandler, 2014). بنابراین بمب‌گذاری/ انفجار راحت‌ترین نوع حمله برای بیشترین آسیب رساندن به هدف است (Clarke & Newman, 2006). یافته‌ها نشان می‌دهد که تروریست‌ها می‌توانند به راحتی به ابزارها و منابع مورد نیاز برای ایجاد بمب‌گذاری/ انفجار، به سلاح انتخابی خود در تروریسم انتحاری در مقیاس جهانی دسترسی پیدا کنند.

فرضیه دوم، که استدلال می‌کند تروریست‌های انتحاری برای انجام این‌گونه عملیات‌ها، از مواد منفجره به نسبت سایر سلاح‌های تروریستی، استفاده بیشتری می‌کنند، توسط نتایج مطالعه پشتیبانی شد. همانطور که اختصار موردروس از کلارک و نیومن (۲۰۰۶) نشان می‌دهد تروریست‌ها ترجیح می‌دهند هنگام تروریسم انتحاری از مواد منفجره/ محترقه استفاده کنند. آنها معتقدند این سلاح‌ها مخرب و لذت‌بخش هستند و توانایی جلب توجه رسانه‌ها را دارند (Hoffman & McCormick, 2004: 44). سایر مشخصات منعکس‌شده در مخفف MURDEROUS قابل استفاده نیستند، زیرا تروریست‌های درگیر در تروریسم انتحاری قصد دارند خود را بکشند تا بتوانند به هدف نهایی خود برسند: کشتن افراد دیگر.

فرضیه سوم، که استدلال می‌کند نیروهای نظامی-امنیتی در مقایسه با سایر اهداف به احتمال

زیاد در معرض تروریسم انتحاری قرار دارند، با یافته‌ها پشتیبانی می‌شود. مخفف EVIL DONE از

کلارک و نیومن (۲۰۰۶)، به توضیح این موضوع کمک می‌کند که چرا نیروهای امنیتی، حیاتی، نمادین و قانونی، اهداف انتخابی برای تروریسم انتحاری هستند (Gruenewald et al., 2019). با هدف قرار دادن نیروهای امنیتی، تروریست‌ها به پیروان خود پیغام می‌دهند که توانایی حمله به اهداف کاملاً ایمن را دارند (Gruenewald et al., 2019) علاوه بر این، نیروهای امنیتی در خط مقدم نبرد با تروریست‌ها هستند، که نیروهای امنیتی را اهداف بالقوه تلافی‌جویی می‌دانند.

آخرین فرضیه، که استدلال می‌کند سازمان‌های تروریستی مذهبی محور در مقایسه با سایر انواع سازمان‌های تروریستی، احتمالاً در تروریسم انتحاری نقش دارند، توسط یافته‌ها تأیید می‌شود. با این وجود، رویکرد پیشگیری از تروریسم موقعیتی در توانایی توصیف نقش ایدئولوژی در استراتژی حمله تروریستی کوتاه می‌کند. همانطور که توسط مطالعات تجربی قبلی و یافته‌های این مطالعه پشتیبانی می‌شود، ایدئولوژی عامل مهمی در توضیح ترجیحات حمله سازمان‌های تروریستی است (Bastug & Guler, 2018; Drake, 1998; Hoffman, 2006). بنابراین، برای در نظر گرفتن این جنبه از تروریسم، باید نظریه پیشگیری وضعی جرم اصلاح شود. همانطور که اونات و گول^۱ متذکر شده‌اند، استراتژی‌ها و تاکتیک‌های تروریستی با آنچه در جنایات سنتی استفاده می‌شود متفاوت است زیرا ایدئولوژی عامل غالب در فعالیت‌های تروریستی است.

برخی از یافته‌های مطالعه با نتایج گزارش شده در پیشینه پژوهش، سازگار است. به عنوان مثال مطالعه‌ای که در ایالات متحده انجام شد، نشان داد که در مقایسه با تروریسم غیرانتحاری، حوادث تروریستی انتحاری احتمالاً نیروهای امنیتی را هدف گرفته و سلاح گرم را درگیر می‌کند (Gruenewald et al., 2019). مطالعه حاضر همچنین نشان داد که تروریسم انتحاری در مقایسه با سایر اهداف به احتمال زیاد نیروهای امنیتی را هدف قرار می‌دهد و تروریسم انتحاری در مقایسه با انواع دیگر سلاح‌ها دارای مواد منفجره/محرقة است. با این حال، یافته اخیر از مطالعه حاضر با یافته گروینوالد^۲ و همکارانش (۲۰۱۹) مغایرت دارد. یک توضیح احتمالی برای این تفاوت این است که مطالعه حاضر شامل حوادث تروریسم جهانی بود، در حالی که گروینوالد و همکارانش فقط آن حوادث تروریستی را که در ایالات متحده رخ داده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. علاوه بر این، دسترسی آسان سلاح‌های گرم در ایالات متحده تروریست‌ها را ترجیح می‌دهد

1- Onat and Gul

2- Gruenewald

سلاح گرم را به عنوان سلاح انتحاری خود ترجیح دهند (Gruenewald et al., 2019; Legault & Hendrickson, 2009).

این مطالعه دارای برخی پیامدهای سیاسی مربوط به پیشگیری وضعی تروریسم است. طبق یافته‌های مطالعه حاضر، تروریسم انتحاری در بسیاری از موارد، نیروهای امنیتی را هدف قرار داده و مواد منفجره/ محترقه را استفاده می‌کند. تروریست‌های انتحاری با افزایش اقدامات امنیتی، اهداف انتحاری خود را کاهش نمی‌دهند (Gruenewald et al., 2019) زیرا آنها از شناسایی ترس ندارند. بنابراین، صرف‌نظر از اقدامات امنیتی مرسوم و معمول، نیروهای نظامی-امنیتی در بسیاری از موارد مورد حمله تروریست‌های انتحاری قرار می‌گیرند (Berman & Laitin, 2005; Crenshaw, 2007). کلارک و نیومن (۲۰۰۶)، با این حال، استدلال می‌کنند که سخت شدن اهداف ممکن است تلفات را کاهش دهد و تلفات را کاهش دهد. بنابراین نیروهای امنیتی مستقر در مکان‌های پرخطر باید در برابر تروریسم انتحاری سخت بگیرند. افزایش اقدامات امنیتی برای کشف سلاح (به ویژه مواد منفجره) همچنین ممکن است باعث کاهش تروریسم انتحاری شود (Clarke & Newman, 2006). رصد و کنترل زود هنگام تروریست‌ها ممکن است به مقامات ضد تروریسم کمک کند تا عوامل انتحاری را قبل از اقدام تروریستی، دستگیر کنند (Gruenewald et al., 2019). بنابراین، اقدامات پیشگیرانه ضد تروریسم با هدف کشف حملات انتحاری سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور ممکن است به جلوگیری از تروریسم انتحاری در سطح جهانی کمک کند.

مطالعه حاضر برخی از محدودیت‌ها را دارد. اول، اطلاعات موجود در پایگاه تروریسم جهانی از منابع باز جمع‌آوری شده و ممکن است نشان‌دهنده تعداد واقعی حوادث تروریستی نباشد (Cubukcu & Forst, 2018; Perry et al., 2017). علاوه بر این، صحت و کامل بودن داده‌ها مورد تردید است. پایگاه تروریسم جهانی دارای مسائل زمانی و مکانی است. محدودیت عمده داده‌ها مربوط به کامل بودن آن است که در طول زمان و منطقه متفاوت است (Ritchie, Hasell, Appel, & Roser, 2020). این اطلاعات شامل حوادث تروریستی است که از سال ۱۹۷۰ اتفاق افتاده و از طریق سوابق باز در مورد تروریسم از رسانه‌های چاپی و الکترونیکی جمع‌آوری شده است. در دهه ۱۹۷۰ بعید است که تمام حوادث تروریستی در رسانه‌ها گزارش شده باشد. حوادثی که گزارش می‌شدند به طور معمول ردیابی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل بسیار دشوار بود، زیرا تقریباً تمام سوابق آن دهه

فقط به صورت چاپی (و نه الکترونیکی) بودند. بنابراین، داده‌ها به احتمال زیاد حوادث تروریسم به ویژه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ را پوشش کامل نمی‌دهند. تا دهه ۱۹۹۰، جمع‌آوری اطلاعات کامل با استفاده گسترده از رسانه‌های دیجیتال در سراسر جهان و پوشش گسترده رسانه‌ای حوادث تروریستی تسهیل شد. بنابراین داده‌های این دوره به احتمال زیاد کامل کافی هستند. کامل بودن داده‌ها، بسته به منطقه، نیز متفاوت است. در مقایسه با مناطق دیگر، به احتمال زیاد داده‌های ایالات متحده و اروپای غربی با گذشت زمان کامل شده‌اند، زیرا پوشش رسانه‌ای حوادث تروریسم گسترده است و انواع رسانه‌های موجود امروز امکان دسترسی آسان به اطلاعات مربوط به حوادث تروریستی را فراهم می‌کند. پوشش رسانه‌ای حوادث تروریستی اما می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند عاملان این حمله، هدف حمله، تعداد تلفات و ماهیت منابع رسانه‌ای قرار گیرد. همچنین دستیابی به اطلاعات در مورد حوادث در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و اقتدارگرا دشوار است. با این حال، پایگاه تروریسم جهانی جامع‌ترین بانک اطلاعاتی جهان از حوادث تروریسم جهانی و راحت‌ترین روش برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد تروریسم است. محدودیت دوم، تمرکز مطالعه در حوادث تروریستی است که در سراسر جهان رخ داده است. مطالعات آینده باید تلاش کند تا بر روی یک منطقه یا کشور خاص تمرکز کند تا درک عمیق‌تری از مفهوم را در یک زمینه خاص تسهیل کند. در نتیجه، تروریسم انتحاری از نظر نوع هدف، نوع سلاح، نوع حمله و نوع سازمان تروریستی با تروریسم غیرانتحاری متفاوت است و به طور معمول شامل بمب‌گذاری یا نوعی انفجار به منظور ایجاد تلفات گسترده و جلب توجه گسترده رسانه‌ها است. استفاده از بمب، مواد منفجره و سایر وسایل آتش‌زا سلاح‌های انتخابی اکثر انواع سازمان‌های تروریستی از جمله سازمان‌های تروریستی مذهب‌محور در سراسر جهان است.

درک دقیق از خصوصیات که تروریسم انتحاری را از سایر انواع تروریسم متمایز می‌کند، می‌تواند به افراد مسئول در مبارزه با تروریسم کمک کند تا حوادث تروریسم انتحاری آینده را هدفمند و خنثی کنند و شاید تعداد تلفات انسانی و تخریب اموال را کاهش دهد و امنیت بیشتری برای شهروندان محلی درگیر در انواع تهدیدات تروریسم ایجاد کند.

فهرست منابع

- ۱- عبدالهی ضیاءالدینی، مهدی (۱۴۰۰)، «تبارشناسی تروریسم سلفی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۳).
- ۲- کارگری، نوروز (۱۳۹۹)، «بررسی روانشناختی جامعه شناختی تروریسم انتحاری»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۵(۹۰).
- ۳- کرم‌زادی، مسلم و فهیمه خوانساری فرد (۱۴۰۰)، «زنان، جنسیت و تروریسم»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۳).
- 4- Abdel-Khalek, A. (2004), "Neither altruistic suicide, nor terrorism but martyrdom: A Muslim perspective", *Archives of Suicide Research*, 8(1), 99–113.
- 5- Acosta, B, & Childs, J. (2013), "Illuminating the global suicide-attack network", *Studies in Conflict & Terrorism*, 36(1), 49–76.
- 6- Acosta, B. (2016), "Dying for survival: Why militant organizations continue to conduct suicide attacks", *Journal of Peace Research*, 53(2), 180–196.
- 7- Alakoc, Pinar. (2017), "When suicide kills: An empirical analysis of the lethality of suicide terrorism", *International Journal of Conflict and Violence*, 11, 1–15.
- 8- Allison, P. (2002), *Missing data*. Thousand Oak, CA: Sage.
- 9- Atran, S, (2006), "The moral logic and growth of suicide terrorism", *Washington Quarterly*, 29(2), 127–147.
- 10- Atran, Scott. (2004), "Mishandling suicide terrorism", *Washington Quarterly*, 27(3), 65–90.
- 11- Atran, Scott. (2004). "Mishandling suicide terrorism", *Washington Quarterly*, 27(3), 65–90.
- 12- Ayers, N. (2008), "Ghost martyrs in Iraq: An assessment of the applicability of rationalist models to explain suicide attacks in Iraq", *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(9), 856–882.
- 13- Azam, P, (2005). "Suicide-bombing as inter-generational investment", *Public Choice*, 122(1–2), 177–198.
- 14- Bastug, M, & Guler, A, (2018). "The influence of leadership on the strategies and tactics of Islamic State and its predecessors", *Journal of Policing, Intelligence and Counter Terrorism*, 13(1), 38–59.
- 15- Benmelech, Efraim Berrebi, Claude, & Klor, Esteban. (2010), "Economic conditions and the quality of suicide terrorism", *Journal of Politics*, 74(1), 113–128.
- 16- Berman, E, & Laitin, D. (2005, November), *Hard targets: Theory and evidence on suicide attacks*, Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research. doi:10.3386/w11740.
- 17- Bloom, M. (2005), *Dying to kill: The allure of suicide terror*, New York, NY: Columbia University Press.
- 18- Burdman, D. (2003), "Education, indoctrination, and incitement: Palestinian children on their way to martyrdom", *Terrorism and Political Violence*, 15(1), 96–123.
- 19- Caplan, B. (2006), "Terrorism: The relevance of the rational choice model", *Public Choice*, 128(12), 91–107.
- 20- Choi, S & Piazza, J. (2016), "Internally displaced populations and suicide terrorism", *Journal of Conflict Resolution*, 60(6), 1008–1040.
- 21- Clarke, R. V. G., & Newman, G. R. (2006), *Outsmarting the terrorists*. Westport, CT: Praeger Security International.
- 22- Cook, D. (2002), "Suicide attacks or "martyrdom operations" in contemporary jihad literature". *Nova Religio*, 6(1), 7–44.

- 23- Crenshaw, M. (2007), Explaining suicide terrorism: A review essay. *Security Studies*, 16(1), 133–162.
- 24- Cubukcu, S., & Forst, B. (2018), “Measuring terrorism”. *Homicide Studies*, 22(1), 94–116.
- 25- Dalton, A., & Asal, V. (2011), “Is it ideology or desperation: Why do organizations deploy women in violent terrorist attacks?”, *Studies in Conflict & Terrorism*, 34(10), 802–819.
- 26- Demir, M., & Guler, A. (2021), “A global comparison of suicide and nonsuicide terrorism”, *Journal of Policing, Intelligence and Counter Terrorism*, 16:2.
- 27- Demir, M., & Guler, A. (2021), “The effects of the 9/11 terrorist attacks on suicide terrorism”, *Behavioral Sciences of Terrorism and Political Aggression*, 1–18. doi:10.1080/19434472.2020.1866052
- 28- Drake, C. J. (1998). “The role of ideology in terrorists’ target selection”. *Terrorism and Political Violence*, 10(2), 53–85.
- 29- Freilich, J. D., & Newman, G. R. (Eds.). (2009), *Reducing terrorism through situational crime prevention*, Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- 30- Global Terrorism Database. (2019), *Global terrorism database codebook: Inclusion criteria and variables*. Retrieved from <https://www.start.umd.edu/gtd/downloads/Codebook.pdf>
- 31- Gordon, H. (2002), “The “suicide” bomber: Is it a psychiatric phenomenon?”, *Psychiatric Bulletin*, 26(8), 285–287.
- 32- Gruenewald, J., Allison-Gruenewald, K., & Klein, B. R. (2015), “Assessing the attractiveness and vulnerability of eco-terrorism targets: A situational crime prevention approach”, *Studies in Conflict & Terrorism*, 38(6), 433–455.
- 33- Gruenewald, J., Klein, B. R., Parkin, W. S., Freilich, J. D., & Chermak, S. (2019), “A situated comparison of suicide and non-suicide terrorist plots and homicides in the United States, 1990–2014”, *Crime & Delinquency*, 65(9), 1187–1217.
- 34- Gupta, D. K. (2005), *Exploring roots of terrorism*. In T. Bjorgo (Ed.), *Root causes of terrorism: Myths, reality and ways forward*, Routledge.
- 35- Hafez, M. M. (2007), “Martyrdom mythology in Iraq: How jihadists frame suicide terrorism in videos and biographies”, *Terrorism and Political Violence*, 19(1), 95–115.
- 36- Hassan, R. (2014), *Life as a weapon: The global rise of suicide bombings* [E-reader version]. Routledge.
- 37- Hoffman, B. (2006), *Inside terrorism*, New York, NY: Columbia University Press. 122 A. GULER AND M. DEMIR
- 38- Hoffman, B., & McCormick, G. H. (2004), “Terrorism, signaling, and suicide attack”, *Studies in Conflict & Terrorism*, 27, 243–281.
- 39- Horowitz, M. C. (2015), “The rise and spread of suicide bombing”, *Annual Review of Political Science*, 18, 69–84.
- 40- Hsu, H. Y., & Apel, R. (2015), “A situational model of displacement and diffusion following the introduction of airport metal detectors”, *Terrorism and Political Violence*, 27(1), 29–52.
- 41- Jacques, K., & Taylor, P. J. (2008), “Male and female suicide bombers: Different sexes, different

- reasons?", *Studies in Conflict & Terrorism*, 31(4), 304–326.
- 42- Jahanbani, N. P., & Willis, C. N. (2019), "The ballot or the bomb belt: The roots of female suicide terrorism before and after 9/11", *Small Wars & Insurgencies*, 30(6–7), 1117–1150.
- 43- Khashan, H. (2003), "Collective Palestinian frustration and suicide bombings", *Third World Quarterly*, 24 (6), 1049–1067.
- 44- Klein, B. R., Gruenewald, J., & Smith, B. L. (2017), "Opportunity, group structure, temporal patterns, and successful outcomes of far-right terrorism incidents in the United States", *Crime & Delinquency*, 63(10), 1224–1249.
- 45- Kydd, A. H., & Walter, B. F. (2006), "The strategies of terrorism", *International Security*, 31(1), 49–80.
- 46- Larzillière, P. (2017), "On suicide bombings: Questioning rationalist models and logics of gender", *International Review of Sociology*, 27(1), 108–125.
- 47- Leenaars, A. A., & Wenckstern, S. (2004), "Altruistic suicides: Are they the same or different from other suicides?", *Archives of Suicide Research*, 8(1), 131–136.
- 48- Legault, R. L., & Hendrickson, J. C. (2009), "Weapon choice and American political violence: A comparison of terrorists and other felons in federal custody", *Criminology & Public Policy*, 8(3), 531–559.
- 49- Lester, D., Yang, B., & Lindsay, M. (2004), "Suicide bombers: Are psychological profiles possible?", *Studies in Conflict & Terrorism*, 27(4), 283–295.
- 50- Mandala, M., & Freilich, J. D. (2017), "Preventing successful assassination attacks by terrorists: An environmental criminology approach", *Journal of Criminological Research, Policy and Practice*, 3(3), 173–191
- 51- Mandala, M., & Freilich, J. D. (2018), "Disrupting terrorist assassinations through situational crime prevention" *Crime & Delinquency*, 64(12), 1515–1537.
- 52- Margalit, A. (2003), "The suicide bombers (Israeli/Palestinian conflict)", *New York Review of Books*, 50(1), 36–39.
- 53- Moghadam, A. (2006). "Suicide terrorism, occupation, and the globalization of martyrdom: A critique of Dying to Win" *Studies in Conflict & Terrorism*, 29(8), 707–729.
- 54- Newman, G. R. (2014), *Situational approaches to terrorism*, *Encyclopedia of Criminology and criminal justice*, New York, NY: Springer.
- 55- Ozer, M. M., & Akbas, H. (2011), "The application of situational crime prevention to terrorism" *Turkish Journal of Police Studies*, 13(2), 179–194.
- 56- Pape, R. A. (2003), "The strategic logic of suicide terrorism", *American Political Science Review*, 97(3), 343–361.
- 57- Pape, R. A. (2005), *Dying to win: The strategic logic of suicide terrorism*, New York, NY: Random House.
- 58- Pedahzur, A. (2005), *Suicide terrorism*, Malden, MA: Polity Press.
- 59- Pedahzur, A. (Ed.), (2006), *Root causes of suicide terrorism: The globalization of martyrdom*. Routledge.

- 60- Perry, S., & Hasisi, B. (2015), "Rational choice rewards and the jihadist suicide bomber", *Terrorism and Political Violence*, 27(1), 53–80.
- 61- Perry, S., Apel, R., Newman, G. R., & Clarke, R. V. (2017), "The situational prevention of terrorism: An evaluation of the Israeli West Bank barrier", *Journal of Quantitative Criminology*, 33(4), 727–751.
- 62- Piazza, J. A. (2008), "A supply-side view of suicide terrorism: A cross-national study", *The Journal of Politics*, 70(1), 28–39.
- 63- Pipes, D. (2005), *Despair and hopelessness do not motivate suicide bombers*. In L. Friedman (Ed.), "What motivates suicide bombers, Michigan: Greenhaven.
- 64- Post, J. M. (1990), *Terrorist psycho-logic: Terrorist behavior as a product of psychological forces*. In W. Reich (Ed.), *Origins of terrorism: Psychologies, ideologies, theologies, states of mind*, Cambridge University Press.
- 65- Ritchie, H., Hasell, J., Appel, C., & Roser, M. (2020), *Terrorism*. Retrieved from <https://ourworldindata.org/terrorism>
- 66- Royston, P. (2009). Multiple imputation of missing values: Further update of Ice, with an emphasis on categorical variables. *The Stata Journal: Promoting Communications on Statistics and Stata*, 9, 466–477.
- 67- Santifort-Jordan, C., & Sandler, T. (2014), "An empirical study of suicide terrorism: A global analysis", *Southern Economic Journal*, 80(4), 981–1001.
- 68- Sayre, E. A. (2009), "Labor market conditions, political events, and Palestinian suicide bombings", *Peace Economics, Peace Science, and Public Policy*, 15(1), 1–28.
- 69- Silke, A. (Ed.). (2006), *Terrorists, victims and society: Psychological perspectives on terrorism and its consequences*. West Sussex, England: John Wiley & Sons.
- 70- Speckhard, A., & Ahkmedova, K. (2006a), "The making of a martyr: Chechen suicide terrorism", *Studies in Conflict & Terrorism*, 29(5), 429–492.
- 71- Speckhard, A., & Akhmedova, K. (2006b), "Black widows: The Chechen female suicide terrorists", *Female Suicide Bombers: Dying for Equality*, 84(1), 63–80.
- 72- Speckhard, A., Jacuch, B., & Vanrompay, V. (2012), "Taking on the persona of a suicide bomber: A thought experiment", *Perspectives on Terrorism*, 6(2), 51–73.
- 73- Terrorism Research and Analysis Consortium. (2019), TRAC database. Retrieved from <https://www.trackingterrorism.org/>
- 74- White, I. R., Royston, P., & Wood, A. M. (2011), "Multiple imputation using chained equations: Issues and guidance for practice. *Statistics in Medicine*", 30(4), 377–399.